



The Role of Visual Arts in Improving the Quality of The Urban Environment

Case Study: The Area around Golestan Palace

ABSTRACT INFO

Article Type

Original Research

Authors

1. Shirin Khademi
- 2*. Mohammadreza Sharifzadeh
3. Hossein Ardalani
4. Mohammad Aref

1. PhD student in Philosophy of Art, Department of Philosophy of art, Faculty of Art, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran.

2*. Professor, Department of Philosophy of Art, Faculty of Art, Islamic Azad University, central Tehran Branch, Tehran, Iran

3. Associate Professor, Department of Philosophy of Art, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran

4. Associate Professor, Department of Theater, Faculty of Art, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran.

*Corresponding Author

moh.sharifzade@iauctb.a.ir

Article History

Receive : February 8 , 2023

Accepted : February 28 , 2023

ABSTRACT

Problem: A look at the history of the presence of art in public spaces shows that with the change of the paradigm of public art from artist-oriented art to the creation of society-oriented art and audience-oriented art, the choice of the type of public art and the environmental qualities affected by it appear more important. What threatens urban spaces today is the weak connection between the building components of a place, which cannot meet the needs of citizens.

Target: The current research aims to investigate the effect of visual art on environmental quality and tries to create the necessary environmental quality in the design of future urban spaces by experts.

Method: This research is developmental-applied in terms of type, and in terms of method, it has a nest-to-nest combination. To answer the research question, the qualitative research method is used in a nest-by-nest quantity. The statistical population is divided into two quantitative and qualitative parts. In the qualitative group of the statistical population, there were 14 experts who were selected by the snowball method. In the statistical population of quantitative research, the sample size is 180 people based on Cochran's formula and random sampling.

Result: The analysis of the results indicates that according to the results of multivariate regression, the component of visual richness with the value of (1.000) has the highest factor contribution, in the second order, the component of enjoying the environment with the value of (0.920) And the lowest is related to the component of improving the individual sense of belonging with the value (0.244). The special attention of urban designers regarding the structure of spaces and the use of extraction measures from the impact of visual arts components in urban spaces in different scales can increase the quality of urban environments.

Key Words: art, visual arts, urban environment quality, Golestan Palace.

نقش هنرهای تجسمی در ارتقای کیفیت

محیط شهری

(نمونه مطالعاتی: محدوده اطراف کاخ

گلستان)^۱

شیرین خادمی

دانشجوی دکتری فلسفه هنر، گروه فلسفه هنر، دانشکده هنر، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران.

محمدرضا شریفزاده*

استاد، گروه فلسفه هنر، دانشکده هنر، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

حسین اردلانی

دانشیار، گروه فلسفه هنر، دانشکده هنر و معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

محمد عارف

دانشیار، گروه نمایش، دانشکده هنر، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران.

نمونه بر اساس فرمول کوکران ۱۸۰ نفر و نمونه‌گیری به صورت تصادفی است.

یافته ها و نتیجه گیری: تحلیل نتایج حاکی از آن است که بنا به نتایج رگرسیون چندمتغیره، مؤلفه غنای بصری با مقدار (۱/۰۰۰) بیشترین میزان سهم عاملی، در مرتبه دوم، مؤلفه لذت بردن از محیط با مقدار (۰/۹۲۰) و کمترین مربوط به مؤلفه بهبود احساس فردی تعلق با مقدار (۰/۲۴۴) است. توجه ویژه طراحان شهری در مورد ساختار فضاها و به کارگیری تمهیدات استخراجی از میزان تأثیرگذاری مؤلفه‌های هنرهای تجسمی در فضاهای شهری در مقیاس‌های مختلف می‌تواند موجب افزایش کیفیت محیط‌های شهری شود.

واژگان کلیدی: هنر، هنرهای تجسمی، کیفیت محیط شهری، کاخ گلستان.

تاریخ دریافت: [۱۴۰۱/۱۱/ ۱۹]

تاریخ پذیرش: [۱۴۰۱/۱۲/۹]

* نویسنده مسئول: moh.sharifzade@iauctb.a.ir

۱. مقدمه

فضاهای شهری، میراثی ماندگار از فرهنگ و هویت جوامع به شمار می‌آیند. این فضاها، مفهومی متعالی‌تر از یک فضای ساده و معمولی دارند، به گونه‌ای که علاوه بر پوشش خصیصه‌های کلی یک فضا، معیارهای زیباشناختی و ارزش‌های پیچیده اقتصادی و اجتماعی را نیز در برمی‌گیرند. [۳۰] عملکرد اصلی این فضاها فراهم آوردن بستری جهت حضور کلیه گروه‌های سنی و اجتماعی است که کیفیت فضاها و عناصر شهری مستقر در آن‌ها، می‌توانند زمینه‌ساز حضور یا عدم حضور شهروندان در فضاهای شهری گردند. یکی از عناصر و ابزارهای کاربردی که نقش مؤثری در پایداری اجتماعی و تحکیم نمادهای فرهنگی و تلفیق آن‌ها در فضاهای شهری دارد، هنر است. [۳۱]

هنرهای تجسمی عمومی در جهان معاصر پدیده‌ای است که از چهل سال گذشته تا به امروز دگرگونی‌های قابل توجهی داشته و در حال حاضر با ملاحظات زیبایی و اجتماعی در حال گسترش است. [۲۹] باین‌وجود هنوز هم آن‌چنان که باید در برخی از جوامع منافع فیزیکی، اجتماعی و فرهنگی این هنرها در زندگی شهری درک نشده است.

چکیده

بیان مساله: نگاهی به تاریخ حضور هنر در فضاهای عمومی نشان می‌دهد که با تغییر پارادایم هنر عمومی از هنر هنرمند مدار به سوی ایجاد هنر جامعه مدار و هنر مخاطب محور، انتخاب نوع هنر عمومی و کیفیت‌های محیطی متأثر از آن بیش‌ازپیش مهم جلوه می‌نماید. آنچه امروزه فضاهای شهری را تهدید می‌نماید، ارتباط ضعیف مؤلفه‌های سازنده یک مکان است که نمی‌توانند نیازهای شهروندان را به‌خوبی برطرف نمایند.

هدف: پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر هنر تجسمی بر کیفیت محیطی سعی دارد که بتواند کیفیت محیطی لازم در طراحی فضاهای شهری آینده توسط متخصصان را ایجاد نماید.

روش: این پژوهش از لحاظ حیث نوع توسعه‌ای - کاربردی و از جنبه روش دارای ترکیبی لانه به لانه است. برای پاسخ به سؤال تحقیق از روش تحقیق کیفی در کمی لانه به لانه استفاده می‌شود. جامعه آماری به دو قسمت کمی و کیفی تقسیم شده است. در گروه کیفی جامعه آماری، ۱۴ نفر از کارشناسان بودند که به روش گلوله برفی انتخاب شدند. در جامعه آماری تحقیق کمی، حجم

محمدرضا شریف زاده، دکتر اردلانی و مشاور دکتر عارف، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی می باشد.

^۱ مقاله مستخرج از پایان نامه دکتری دانشجو شیرین خادمی با عنوان مطالعه مفهوم روایت در هنرهای تصویری دوران قاجار براساس آرای ژان فرانسوا لیوتار به راهنمایی دکتر

این هنرها نه تنها در ایجاد هماهنگی و زیباسازی محیط تأثیر قابل‌ملاحظه‌ای دارند بلکه در تعاملات مدنی و برقراری و استحکام ارتباطات انسانی و سلامت ذهنی جامعه نقش مهمی ایفا می‌کنند و موجب افزایش کیفیت محیط می‌شوند. هنر تصویری عمومی مظهر ایده‌ها، ابتکارات و الهام‌بخش طیف وسیعی از مردم است [۵] و جوامعی که به نحوی از هنرهای عمومی بهره‌برداری می‌کنند به جامعه‌ای خلاق، مشارکتی، انتقادپذیر و پویا مبدل می‌شوند و آگاهی از نقش و چگونگی تأثیر هنرهای تصویری در سطوح مختلف کالبدی، فرهنگی، اجتماعی در راستای ارتقاء کیفیت محیط بیش‌ازپیش ضرورت می‌یابد. [۳۴]

در ایران نیز هنر عمومی یکی از رویکردهای موردتوجه در حوزه ارتقای کیفیت فضاهای شهری به شمار می‌آید که باعث درگیری فعال و غیرفعال شهروندان با فضا و تعامل با دیگران می‌گردد. با این وجود استفاده از هنر در فضاهای عمومی کشور بدون در نظر گرفتن بسترهای اجتماعی و خواست مخاطبان و تنها در جایگذاری مجسمه‌های متعدد خلاصه شده که سبب عدم استقبال عمومی از آن‌ها و به حاشیه رانده شدن تعامل و مشارکت به‌عنوان هدف غایی هنر عمومی می‌گردد. فضاهای شهری ازجمله مهم‌ترین فضاهای عمومی شهر هستند که نقش به‌سزایی در شکل‌دهی استخوان‌بندی شهر و همچنین حیات شهری دارند؛ به‌گونه‌ای که کیفیت کلی شهر را می‌توان نشأت گرفته از کیفیت این فضاها دانست. با این وجود توجه صرف به ضرورت‌ها و الزامات زندگی در کلان‌شهرهایی مانند تهران، موجب شکل‌گیری این فضاها، فارغ از ابعاد کیفی، زیبایی‌شناختی و انسانی شده است. این عامل از یک‌سو منجر به کمرنگ شدن بعد انسانی فضاهای شهری و کاهش حضورپذیری در این فضاها گردیده و از سوی دیگر سبب شده تا این فضاها فاقد معنا و هویت گشته و تعامل مثبتی میان انسان‌ها با محیط و میان انسان‌ها با یکدیگر (ایجاد تعاملات اجتماعی) برقرار نگردد، لذا با توجه به هدف طراحی شهری در زمینه ارتقاء کیفیت فضاهای شهری، توجه دوباره به این فضاها و تجدیدنظر در کیفیت‌های این فضاها امری ضروری است.

محدوده اطراف کاخ گلستان، یکی از مقاصد توریستی و گردشگری این شهر به شمار می‌آید که روزانه پذیرای شمار بالایی از استفاده‌کنندگان است. با این وجود با تعطیلی بازار و تاریک شدن هوا، محدوده از جمعیت خالی شده که تجمع افراد بیخانمان و بزهکار و

کاهش امنیت اجتماعی را به دنبال دارد. همچنین عدم وجود مسیری مشخص باقابلیت جذب هرچه بیشتر مردم و گردشگران، از اصلی‌ترین معضلات این محدوده محسوب می‌گردد. از سوی دیگر طراحی فضاهای شهری یا یک مسیر با رویدادهای هنری در ایران به‌ندرت دیده می‌شود. این محدوده، علیرغم ارزش‌های هویتی با فرسودگی مفرط روبروست. بخش وسیعی از بدنه‌های ارزشمند شهری (بخصوص لبه خیابان‌ها در این محدوده) که تاریخ و نشانه سیمای شهری تهران را تشکیل می‌دادند، تخریب‌شده یا الحاقات آزردهنده به بقایای بدنه‌ها و بناها افزوده شده است و در معرض تخریب و جایگزینی با معماری بی‌هویت و فاقد ارزش معمول و رایج است، لذا این پژوهش سعی دارد به این پرسش پاسخ دهد:

چگونه می‌توان با استفاده از هنرهای عمومی کیفیت محیط شهری را افزایش داد؟

کدام‌یک از مؤلفه‌های هنر عمومی تأثیر بیشتری در کیفیت محیط شهری در محدوده اطراف کاخ گلستان دارند؟

۲. پیشینه پژوهش

به‌طورکلی در بررسی‌هایی که صورت گرفت در میان آثار موجود انجام‌شده، می‌توان ادعا کرد که آثار موجود مستقیماً به بحث از موضوعی که نگارندگان به دنبال آن است، نپرداخته‌اند؛ بنابراین از آنجایی که موضوع پژوهش در این زمینه، جدید به نظر نمی‌رسد نمی‌توان به‌صورت مستقیم فرضیات رقیبی از آثار موجود پیدا نمود و تنها می‌توان به‌صورت غیرمستقیم به برخی از موضوعات از میان آثار اشاره نمود.

از مهم‌ترین پژوهش‌هایی که در ارتباط هنر عمومی انجام‌شده، می‌توان به پژوهش‌های آنتونی رمسار اشاره کرد که ده‌ها مقاله و کتاب در حوزه هنرهای عمومی تألیف کرده است. کتاب *بازسازی شهری چالشی برای هنر عمومی حاوی سلسله پژوهش‌هایی در ارتباط با دیوارنگاری شهری است که توسط رمسار و تعدادی از پژوهشگران نگارش شده است.* [۳۶]

رحیمی بافرانی در پایان‌نامه خود با عنوان «ارزش بیانی هنر نقاشی در طراحی محیطی» بر این موضوع تمرکز دارد که اگرچه اصولی در زمینه دیوارنگاری تدوین نشده اما دیوارنگاری (نقاشی دیواری) نقش بسزایی در زیبایی شهر در طراحی شهری دارد. وی بر این باور است که شناخت اصولی از طراحی

محیطی و عوامل تأثیرگذار آن می‌تواند زمینه‌ای مناسب برای حضور نقاشی در طراحی محیطی را فراهم آورد. [۳۵]

محاسن‌نیاری و همکاران در مقاله‌ای با عنوان «ارتقای کیفی فضاهای شهری تاریخی با تأکید بر ابعاد بصری نمونه موردی میدان عالی‌قاو اردبیل» بر این باورند که شناخت، ساماندهی و طراحی آگاهانه محورهای دید، به‌عنوان گونه‌ای از چشم‌اندازهای شهری، به سمت نشانه‌های شاخص و ارزش‌های بصری شهری، نقشی مهم در ارتقا کیفیت دید و منظر شهری و به‌واسطه آن ارتقا کیفیت مؤلفه بصری - زیباشناختی محیط در فضاها و عرصه‌های عمومی شهری دارد. [۱۸]

کشفچیان مقدم و عمویان، در مقاله‌ای با عنوان «تعامل هنرهای تجسمی شهری با مخاطب: مطالعه موردی: سالانه هنرهای شهری بهارستان تهران سال ۱۳۹۵» به بررسی مؤلفه‌های مؤثر در ایجاد تعامل بین هنر شهری و مخاطبان عام جوامع شهری پرداخته و چرایی و چگونگی نقش آثار هنری ارائه شده در مناسبت‌های ملی، مذهبی یا شرایط روزمره با توجه به درک مخاطب بررسی می‌شود. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که وجه فرهنگی، سمبلیک، تعاملی و زیست‌محیطی آثار و تصورات فرهنگی و فعالیت‌های اجتماعی شهر تهران در بازتعریف مفاهیم ارزشی به جهت ایجاد شادابی، ترویج صلح‌طلبی و آگاهی از توسعه پایدار زیست‌محیطی مؤثر بوده و با ادراک و آموزش اطلاعات مخاطبان رابطه مستقیم دارد. [۱۲]

هادی پایان و عزیزیان در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تأثیر ساماندهی «محورهای بصری» بر بهبود «کیفیت محیط» فضاهای عمومی شهری (نمونه موردی: خیابان قیام یزد)» به بررسی نقش ساماندهی پهنه محورهای دید بر ارتقا کیفیت محیط در فضاهای عمومی شهری می‌پردازند. در این پژوهش، مفاهیم کیفیت، محیط، کیفیت محیط، مؤلفه‌های کیفیت محیط طراحی شهری و دیدها چشم‌اندازها در مؤلفه‌های کیفیت محیط تلفیق شده‌اند و مفاهیم مرتبط با محورهای دید و چشم‌اندازهای شهری مورد مطالعه قرار گرفته است. همچنین با تحلیل یکپارچه خیابان قیام یزد، رهنمودهای مبتنی بر ساماندهی محور دید به‌منظور ارتقاء کیفیت محیط در این خیابان ارائه شده است. [۸]

مظفر و همکاران در مقاله «سنجش تأثیر هنرهای عمومی در زیباسازی و بهبود کیفیت بصری منظر شهری؛ مطالعه موردی دیوارنگاره‌های شهر تهران» باهدف تبیین تأثیر دیوارنگاره‌ها

به‌عنوان یکی از راهکارهای بهبود منظر دیداری شهر و تلطیف محیط شهر تهران نگارش شده است. نتایج کلی تحقیق کیفی، نشان می‌دهد که مداخلات هنری در عرصه‌های عمومی به‌ویژه دیوارنگاره‌ها می‌توانند با از بین بردن اشکالات دیداری و کاهش نابسامانی‌های بصری، منظر شهری را بهبود بخشند. به باور بسیاری از مردم کیفیت بصری شهر تهران باوجود دیوارنگاره‌ها بهبود یافته است. همچنین شهروندان تهران معتقدند دیوارنگاره‌ها نه‌تنها در زیباسازی فضاهای شهری نقش مؤثری دارند بلکه راهکاری برای بهینه‌سازی و بازپیرایی نماها نیز هستند. [۲۷]

زجاجی و همکاران در مقاله‌ای با عنوان «سبک نو هنر عمومی به‌مثابه ابزار توسعه خلاقیت جمعی» با استناد به رویکرد جامعه‌شناسی فرهنگی به خلاقیت جمعی، درصدد پاسخ به این پرسش است: آیا می‌توان از هنر عمومی به‌عنوان هنری که با فضای عمومی مرتبط است، در راستای ارتقای خلاقیت جمعی بهره جست؟ نتایج حاکی از توانایی هنر عمومی در توسعه خلاقیت جمعی است. در مرحله بعد، با توجه به تعدد انواع هنر عمومی، نوع مناسب هنر عمومی برای گسترش خلاقیت جمعی معرفی گردید. نتیجه آنکه، با توجه به ملزومات فضای موردنیاز برای ممارست خلاقیت جمعی، هنر عمومی در صورت ایفای نقش فعال در عرصه عمومی می‌تولند به روند بروز این فضا کمک کند. [۵۰]

وحدت و سجاذزاده در مقاله‌ای با عنوان «بررسی و ارزیابی نقش هنر شهری در افزایش میزان حضورپذیری فضاهای عمومی با تأکید بر گرافیک شهری (نمونه موردی: پارک مردم همدان)» به بررسی نقش هنرهای عمومی و شهری با تأکید بر گرافیک شهری در حضورپذیری و مردم‌گرا بودن فضاهای عمومی می‌پردازد. بر اساس نتایج تحقیق، می‌توان ابعاد مفهومی گرافیک شهری را با رویکرد افزایش میزان حضورپذیری فضاهای شهری در قالب چهار مؤلفه: عوامل کالبدی، عوامل اجتماعی، عوامل معنایی، عوامل محیطی و ۲۴ شاخص و زیرمعیار، طبقه‌بندی نمود. یافته‌ها نشان می‌دهد که شاخص آب‌نماها و فواره‌های هنری، در مؤلفه عوامل کالبدی، شاخص اماکن هنری عمومی در مؤلفه عوامل اجتماعی، شاخص ارزش‌های فرهنگی مکان در مؤلفه عوامل معنایی و شاخص مبلمان شهری در مؤلفه عوامل محیطی، بیشترین تأثیر را بر روی معیار خود داشته‌اند. [۴۸]

مرادی در مقاله‌ای با عنوان «هنر عمومی و تلفیق آن با فضای شهری» با هدف شفاف‌سازی تعاریف، تبیین و تأثیرات هنر عمومی و شهری صورت می‌گیرد و به این سؤال پاسخ می‌دهد که آیا هنر عمومی می‌تواند با حضور خود در فضای عمومی به‌عنوان محلی برای مراودات اجتماعی، به تحکیم هویت بومی کمک کند؟ وی به این نتیجه رسید که در کنار جذابیت‌های ایجادشده در فضای عمومی، زمینه‌گرایی هنر عمومی که در حد اعلا است، خاطرات عموم و استفاده‌کنندگان فضا را جزئی از مصالح و درعین‌حال زمینه‌ای برای تولید کار هنری معرفی می‌کند و می‌تواند نقطه قوتی برای همگان به‌حساب آید [۲۳].

رستمی و همکاران در مقاله‌ای با عنوان «تبیین و ارزیابی مؤلفه‌های هنر عمومی (نمونه موردی پارک لامپینی بانکوک و ایل گلی تبریز)» با هدف بررسی شاخص‌های مختلف و کمبود و ارزیابی این شاخصه‌ها در دو پارک با روش توصیفی-تحلیلی صورت پذیرفته است. نتیجه تحقیق این است که دو پارک از لحاظ ویژگی‌های اولیه در سطحی برابرند اما از نظر هنر عمومی دارای تفاوت‌هایی هستند [۳۷].

شهباییان و حقیقی در مقاله‌ای با عنوان «واکاوی نقش هنرهای عمومی در موفقیت فضای شهری میدان نقش‌جهان اصفهان» باهدف معرفی انواع هنرهای عمومی از یک‌سو و شناسایی عوامل زمینه‌ساز موفقیت فضاهای شهری از سوی دیگر و نحوه ارتباط این دو با یکدیگر صورت پذیرفت. با روش تحقیق توصیفی-تحلیلی به بررسی میزان تأثیر هریک از هنرهای عمومی در موفقیت فضای باز پرداخته است و به این نتیجه رسیده‌اند که می‌توان با ارائه انواعی از بازی‌های همگانی که در گذشته در میدان حضور داشتند افراد را برای حضور بیشتر تشویق کرد [۴۳].

کاشی در مقاله‌ای با عنوان «دموکراسی و فضای شهری» به توضیحی درباره فضا، مکان، زمان و بیان ارتباط میان آن‌ها با توضیحی تفسیری بر ساختی پرداخته است و اذعان می‌کند که چگونه اشخاص و گروه‌های اجتماعی، هر کدام فضا را از منظر خاصی مورد ملاحظه قرار می‌دهند. به این ترتیب همبستگی و تعامل مؤثر در فضا، مستلزم، وجوه نمادین است [۱۳].

میتچل^۲ در مقاله‌ای با عنوان پایان فضای عمومی، پارک مردم، تعاریف عمومی و دموکراسی صورت گرفته است. در این مقاله، خیابان هم‌مکان تردد است و هم فضایی برای گفتمان انتقادی است و تنش بین فضاهای عمومی و خصوصی که در بین خیابان‌ها پخش می‌شوند وجود دارد. ۸۰ خیابان به‌وسیله مشاهده مورد ارزیابی قرار گرفت. وی به این نتیجه رسید که هنرمندان خیابانی در دو جنبه به‌صورت هم‌زمان فعالیت می‌کنند یکی ایجاد خلاقیت در شهر و دیگری سیاست‌های نوسازی شهری. [۲۰]

گودسل^۳ در مقاله‌ای با عنوان «مفهوم فضای عمومی و ساختار دموکراسی» اذعان دارد که اصطلاح فضای عمومی بسته به رشته‌های علمی دارای چندین معناست. هدف این مقاله ایجاد مفهوم یکپارچه در فضای عمومی است که به ادبیات متنوعی در دیدگاه‌های گوناگون مرتبط می‌شود. همچنین شناخت تجربی این فضا برای تأثیرات آن در فضای عمومی و دموکراتیک‌تر است در نتیجه مشخص شد که سازگاری فضای عمومی تأثیر مستقیمی بر فرهنگ و نوع شکل‌گیری فعالیت‌های مشارکتی به وجود آورنده دموکراسی در فضا دارد. [۷]

پورسل^۴ در مقاله‌ای با عنوان «حقیقت شهری: مبارزه‌ای برای دموکراسی در قلمرو عمومی شهری» دارای هدف کمک به تفسیر مباحث در مورد تغییر حکمرانی در جامعه محلی با انجام یک تحلیل دقیق‌تر از مفهوم هنری هانری لفرور است. ایده لفرور تحول کاملی را در شهر تصور می‌کند و آن را به‌عنوان یک جامعه سیاسی می‌داند که شامل دموکراتیزه کردن رادیکال در شهرهاست که او بیان می‌کند یک مبارزه مداوم و جمعی توسط ساکنان شهری برای مدیریت شهر توسط خود آن‌ها بدون دولت و بدون سرمایه‌گذاری وجود دارد. [۳۲]

نیک محمد^۵ و فلاحین جاسمی^۶ در مقاله‌ای با عنوان «نقش هنر عمومی در منظر شهری مالزی در جهت ارتقای کیفیت زندگی: تعامل زیبایی و ارزش‌های عملکردی» اذعان دارد که هنر عمومی به‌عنوان اثری هنری تعریف شده است که در خارج از مناطق و در مکان‌های عمومی قرار می‌گیرد و عمدتاً برای ستایش و مشاهده هنر عمومی در دسترس عموم قرار دارد. اهداف این مقاله

^۵ Nik mohammad

^۶ Jasmi

^۲ Mitchell

^۳ Goodsell

^۴ Purcell

بررسی ارزش‌های زیباشناختی و کاربردی است که به بررسی چندین پروژه در فضاهای عمومی مالزی می‌پردازد که نتیجه این مقاله می‌تواند باعث درک بهتر از هنر عمومی در فضای شهری شود. [۶]

مولر^۷ در مقاله‌ای با عنوان «صداهایی در شهر، نقش هنرها، هنرمندان و فضای شهری برای یک شهر عادلانه، به نقش هنرمندان در به وجود آوردن عدالت شهری» می‌پردازد و به‌وسیله نظریه جین جیکوبز به اهمیت مداخله هنر برای ایجاد یک شهر دارای تنوع فضایی و ایجاد نظم بصری می‌پردازد. این مقاله پیشنهاد می‌کند که درک فرآیندهای گفتمانی هنر می‌تواند ماهیت پویای شهر را به‌عنوان اصلی‌ترین عامل در ساختن یک شهر عادلانه بر پایه عدالت، دموکراسی و تنوع، تحت تأثیر قرار دهد. [۲۶]

پاملا جی. لندی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «اهداف و مزایای هنر عمومی: مروری بر راهکارها در شهر جدید انگلستان، پیتسفیلد» به بررسی هنر عمومی، زندگی شهری در طبقه خلاق شهر پیتسفیلد با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و گردآوری کتابخانه‌ای می‌پردازد. همچنین در این پژوهش، جنبه‌های مختلف ارتباط هنر عمومی و اقتصاد فرهنگی، چگونگی رشد هنر عمومی به طبقه خلاق و خوشه‌های فرهنگی تبیین می‌شود. درنهایت، راهنما جهت استفاده هنر عمومی در جامعه و افزایش تمرکز بر مخاطب عام هنر و استخراج عوامل کلیدی موفقیت یا شکست هر یک ارائه می‌گردد. [۱۶]

ناگراها سوتیوان در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «شرحی بر مفهوم هنر عمومی، مقایسه فضاهای شهری در لندن و نیویورک» به تبیین ارتباط میان هنر عمومی و ادراک محیطی استفاده‌کنندگان از فضای شهری، ارزیابی اثرات هنر عمومی بر سرزندگی و پایداری فضاهای شهری می‌پردازد. [۴۲]

۱.۲. هنر عمومی

ریشه شکل‌گیری هنر عمومی از اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ بوده است. [۱۴] تا قبل از این دوره، هنر به‌صورت تأثیرگذاری در موزه‌های هنری مدرن و گالری‌ها شکل گرفت و از آنجاکه در گذر زمان فضاهای عمومی ارتباط قوی و بلافاصله‌ای با موزه‌ها و

گالری‌ها داشتند، مورد توجه قرار گرفتند که این امر، باعث آغاز بحث هنر عمومی شد [۱۸] در دهه‌ی ۱۹۳۰ م. فضاهای عمومی سراسر کشورها با نقاشی‌های دیواری، مجسمه‌ها و اشکال معماری انتزاعی مدرن پر شده بود [۱۴] عمومیت هنر با محوریت مکان، در مفهوم هنر عمومی گسترش یافت. [۲۵]

واقع شدن در فضایی با دسترسی عمومی، به اثر هنر عمومی این امکان را می‌دهد که در معرض طیف گسترده‌تری از مخاطبان قرار گیرد. [۳۶] به این ترتیب، یک اثر هنر عمومی با انعکاس مسائل مذکور، می‌تواند توجه مخاطب را جلب نماید و زمینه واکنش وی را مهیا سازد [۴۰] این گفتمان عمومی، ممکن است متشکل از مباحثات بین افرادی باشد که اثر هنری را تجربه می‌کنند. [۳]

یک اثر هنری در صورتی عمومی است که عرصه عمومی ایجاد کند، یا یک فضای عمومی از پیش موجود را گسترش داده یا بخشی فعال از آن شود. [۲۷] یک اثر هنری، اگر در دیالکتیک فضای عمومی محیط خود دخیل نباشد، عمومی نیست. در حقیقت، گفتمان عمومی نه حاصل، بلکه عامل عمومی خواندن یک اثر هنری است. [۳۶]

هنر عمومی بیانی از هنرمند و جامعه است که می‌تواند در فرآیندهای دائمی و موقت در فضاهای عمومی یافت شود. [۶] این نوع آثار از محافظه‌کارانه‌ترین فرم‌های هنری هستند که با هدف مانایی و عدم تغییر ساخته می‌شوند [۳۸] در واقع، هنر عمومی، هنرمند را در برخورد با مسائل و دغدغه‌های زمانه در ارتباط مستقیم، با مخاطب قرار می‌دهد. [۱۲] هنر عمومی از طریق چهار پارادایم مشخص می‌شوند:

- ۱- هنر در مکان‌های عمومی که به‌طور معمول یک مجسمه انتزاعی مدرن است و در خارج از خانه برای «تزئین» و یا «غنی‌سازی» فضاهای شهری جانمایی شده است. [۳۶]
- ۲- هنر به‌عنوان مکان‌های عمومی که کمتر شیء گرا بوده و بیشتر در راستای افزایش آگاهی که منجر به ادغام هنر، معماری و چشم‌اندازها از طریق همکاری میان معماران، معماران منظر، طراحان شهری، مدیران شهری است.
- ۳- هنر در جهت منافع و علایق عمومی و یا «سبک جدیدی از هنر عمومی» که اغلب و به‌طور موقت بر مسائل اجتماعی و نه

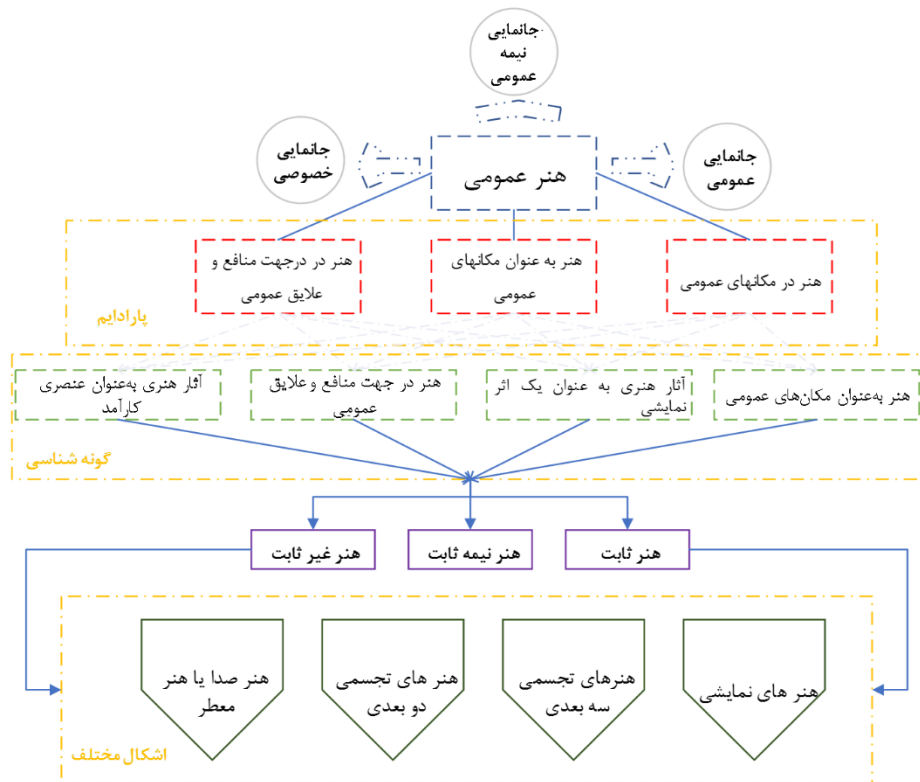
⁷ Muller

محیط ساخته شده تمرکز دارد و شامل همکاری میان گروه‌های اجتماعی است [۶]

۴- آثار هنری به‌عنوان عنصری کارآمد: آثار هنری که به کیفیت عرصه عمومی روح می‌بخشد [۲۶]

هنر عمومی بر اساس نوع حضور نیز دسته‌بندی می‌شود، مانند هنر ثابت آثار هنری که هنر جزئی از زیرساخت اصلی به‌صورت

واحد باشد و جداناپذیر است، مانند نقاشی دیواری. هنر نیمه ثابت آثار هنری که جزئی از زیرساخت‌های اصلی نبوده و متشکل از آثار هنری مانند مجسمه و میلمان و ... است که در مکانی قرار دارند که در آنجا فضای کافی جهت استفاده و فرصت مشاهده داده شده است [۳۸]. هنر غیرثابت مانند اجرای زنده هنرمندان، نمایش خیابانی و مسابقات [۳۷]



شکل ۱. جمع‌بندی حوزه‌های هنر عمومی

۲.۲. نقش هنرهای تجسمی بر کیفیت محیط

محیط‌زیست شهری» نیز از سوی صاحب‌نظران بیان شده است که می‌توان با توجه به آن‌ها، نقش هنرهای تجسمی را در کیفیت محیط شهری مورد تحلیل قرارداد [۱۶] هنرهایی که در شهر پدید می‌آید، ابزار مهمی در ترمیم خاطرات ناگوار و تخلیه روانی اجتماعی و روش مناسبی در بازسازی خاطرات جمعی و بالا بردن روحیه و بینش اجتماعی و تغییر و تحرک فعالیت و ارتباطات اجتماعی، ایجاد احساس ارزش و رفاه ذهنی هستند. [۹] هنرهای تجسمی این فرصت را می‌سازد که مردم شهر در فعالیت‌های روزانه، زیبایی را تجربه کرده و احساس شورونشاط آن‌ها

برانگیخته شود. [۱۳] این نیازهای روانی انسان-محیطی که مربوط به ادراک فضایی، احساس تعلق و احساس زیبایی است، نه‌تنها بر عهده طراحی شهری است، بلکه به مدد انواع هنرهای شهری محقق می‌شود که در نهایت رفاه ذهنی، احساس لذت و سلامت روان را برای مردم به ارمغان می‌آورد. [۲۱] ازجمله مطالعات صورت گرفته در زمینه روانشناسی موضوع هنرهای تجسمی می‌توان به مطالعات انجام‌شده توسط گیسون^۸ در سال ۱۹۵۰ و بانکا^۹ در سال ۱۹۹۹ اشاره نمود. از سوی دیگر مطالعات ارائه شده توسط پروشانسکی^{۱۰}، اهانلون^{۱۱}، ایتلسون^{۱۲}، ریولین^{۱۳} و دیگران نیز در زمینه روانشناسی رفتاری و محیطی حائز اهمیت

¹¹ O'hanlon

¹² Ittelson

¹³ Rivlin

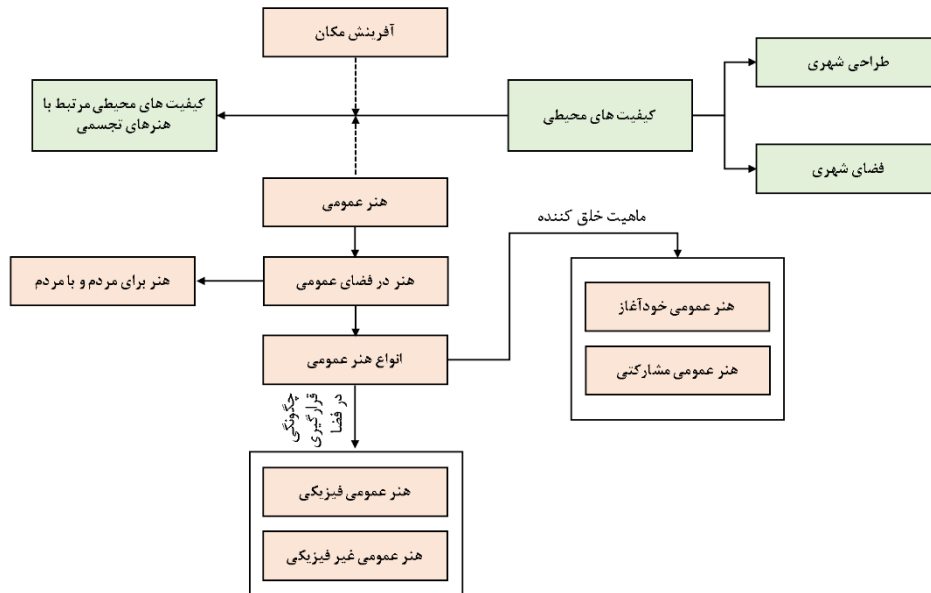
⁸ Gibson

⁹ Augustyn Bańka

¹⁰ Proshansky

اشاره نمود [۱۰] و یا مطالعات انجام شده توسط وود^{۱۷} در سال ۱۹۹۲ که با استفاده از نقشه‌های جغرافیایی به تجزیه و تحلیل این موضوع پرداخته است. [۳۳]

است. [۱۸] در این میان افرادی نیز با استفاده از نقشه‌های رفتاری، انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی به تجزیه و تحلیل پیرامون این مبحث پرداخته‌اند از جمله می‌توان به پژوهش‌های هال^{۱۴} در سال ۱۹۶۶، سامر^{۱۵} در سال ۱۹۶۷ و لاوسن^{۱۶} در سال ۲۰۰۱



شکل ۲. تأثیر هنر تجسمی در کیفیت محیط شهری

فردی به‌طور عمده مربوط به سلامت شناختی / روان‌شناختی و فردی است؛ درحالی‌که تأثیرات اجتماعی هنر در سطوح اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی تمرکز یافته است.

با بررسی جدول ۱ می‌توان نوع و تأثیرات هنر در سطوح فردی و اجتماعی را ملاحظه کرد. اثرات فردی هنر، مرتبط با تأثیر هنر بر افراد اتصال به جامعه است. به عبارتی تأثیرات فردی به‌طور غیرمستقیم بر سلامت جامعه تأثیر دارد. سه نوع از اثرات هنر

جدول ۱. نقش هنرهای تجسمی بر کیفیت محیط شهری [۱۵]

نقش هنرهای تجسمی بر کیفیت محیط	فرد			جامعه	
	سلامت	شناخت/روان	فردی	اجتماعی	فرهنگی
مشارکت مستقیم	ایجاد روابط بین فردی و ترویج کارهای داوطلبانه، بهبود سلامت	افزایش حس اثربخشی فردی و اعتماد به نفس	ساخت شبکه‌های اجتماعی فردی	افزایش حس هویت جمعی و اثربخشی	پدید آمدن پایگاه‌های اجتماعی و درگیر کردن افراد و برقراری ارتباط به دیگر سازمان‌ها و شرکت در تجربه‌ها و همکاری با نهادهای محلی، دولت و دیگر سازمان‌ها
	افزایش فرصت‌ها برای خود بیانگری و لذت بردن	بهبود احساس فردی تعلق و وابستگی به یک جامعه	توانایی افزایش ایده‌ها و کار ارتباط با دیگران		
	کاهش بزهکاری جوانان در معرض خطر	بهبود سرمایه، مهارت‌ها و توانی‌های خلاق			

¹⁶ Lawson

¹⁷ Wood

¹⁴ Edward Twitchell Hall

¹⁵ Sommer, R

نقش هنرهای تجسمی بر کیفیت محیط	فرد			جامعه	
	سلامت	شناخت/روان	فردی	اجتماعی	فرهنگی
مشارکت مخاطبان	افزایش فرصت‌ها برای درک لذت و تسکین استرس‌ها	افزایش سرمایه- های فرهنگی	افزایش تحمل دیگران	ایجاد جامعه‌ای با هویت و بافتخار و مشارکت مثبت در هنجارها، مانند تحمل تنوع و آزادی بیان	تعامل و ارتباط بین مردم
		افزایش استدلال دیداری فضا مکانی			
		بهبود کارایی آموزش			
حضور هنرمندان و نهادهای هنری و مؤسسات آموزشی	افزایش فرصت- های فردی به گرایش مداخله هنری	-	-	بهبود تصویر و وضعیت جامعه	-
				ارتقا تنوع فرهنگ‌های مجاور	
				کاهش جرم و جنایت و بزهکاری	

۳. مواد و روش تحقیق

این پژوهش از لحاظ حیث نوع توسعه‌ای- کاربردی و از جنبه روش دارای ترکیبی لانه به لانه است. برای پاسخ به سؤال تحقیق از روش تحقیق کیفی در کمی لانه به لانه استفاده می‌شود. روش جمع‌آوری داده‌ها از طریق پژوهش میدانی است. تحقیق میدانی ارتباط مستقیم و رویارویی محقق با پدیده مورد مطالعه است. بهینه‌سازی ابزارها و روش‌ها در راستای ارتقای آسایش و سطح زندگی انسان هدف این گروه از پژوهش‌هاست که مبانی شناخت خود را از قوانین، نظریه‌ها و نتایج پژوهش‌های بنیادی می‌گیرند. تحقیق حاضر نیز در پی آن است تا با توجه به جنبه‌های مختلف هنر عمومی به بررسی نقش آن در ارتقای کیفیت فضاهای شهری بپردازد. لذا محقق سعی بر آن دارد که با بررسی قابلیت‌های فضاهای عمومی و نیازهای انسانی در راستای استخراج اصول و پیشنهادات اجرایی جهت ارتقای کیفیت فضاها و جداره‌های شهری گام بردارد. [۸] روش تجزیه و تحلیل در این پژوهش کیفی - کمی با تأکید بر راهبردهای کمی است که لیندا گروت از آن به عنوان راهبردهای ترکیبی نام برده و از دید وی علاوه بر

کنترل نقاط ضعف یکدیگر، از مزایای مثبت یکدیگر نیز استفاده می‌کنند. بنابراین با به دست آوردن متغیرهای تأثیرگذار بر ارتقای کیفیت فضاهای شهری با استفاده از هنر عمومی، داده‌های آماری حاصل از نظرات استفاده‌کنندگان تجزیه و تحلیل می‌گردند. در گام بعد نیز با استفاده از نرم‌افزار تحلیل داده‌های آماری SPSS به تحلیل اطلاعات پرداخته می‌شود.

۱.۳. جامعه آماری در تحقیق کیفی

برای انتخاب نمونه‌های مورد مطالعه، نخست، ۱۴ کارشناسان که به روش گلوله برفی انتخاب شدند. ویژگی‌های کارشناسان به شرح زیر بود:

- عضو هیئت علمی یکی از دانشگاه‌های تهران (به دلیل سهولت دسترسی) باشد.
 - دارای مقاله در خصوص مباحث هنرهای تجسمی باشد.
 - از نظر سمت دانشگاهی، حداقل استادیار باشد.
- دارای مدرک دکتری در یکی از گرایش‌های نگارگری، نقاشی، گرافیک و عکاسی باشد.

جدول ۲. تخصیص افراد مورد مصاحبه

مصاحبه‌شوندگان	تعداد	فراوانی	درصد تجمعی
اساتید نگارگری	۳	۲۱.۵	۲۱.۵
اساتید نقاشی	۶	۴۲.۸	۶۴.۳
اساتید گرافیک	۳	۲۱.۵	۸۵.۸
اساتید عکاسی	۲	۱۴.۲	۱۰۰
مجموع	۱۴	۱۰۰	-

سؤالات مصاحبه عبارت‌اند از:

- نقش هنر عمومی (هنرهای تجسمی) در ارتقای کیفیت فضاها و جداره‌های شهری چیست؟
- هنر عمومی به‌خصوص هنرهای تجسمی، چه اثری بر ابعاد آفرینش مکان دارد؟
- مؤلفه‌های کیفیت‌های محیطی مرتبط با هنرهای تجسمی جهت ارتقای فضاهای شهری کدام‌اند؟

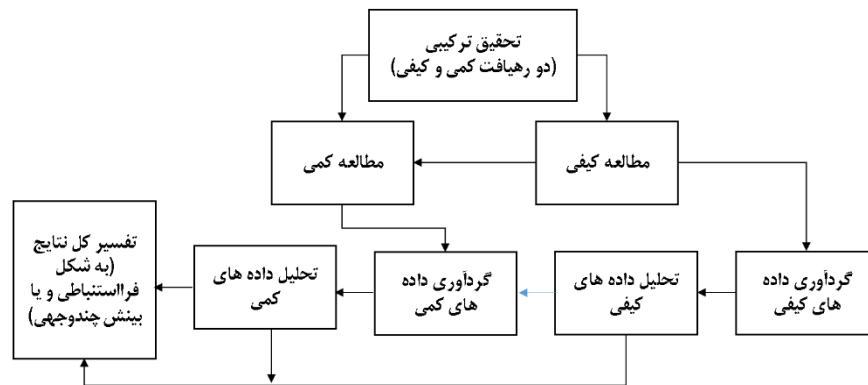
۲.۳. جامعه آماری در تحقیق کمی

حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۱۸۰ نفر از ساکنان، گردشگران، عابران بود و نمونه‌گیری به‌صورت اتفاقی بوده است. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه است که به‌طور حضوری و به‌صورت رودررو توسط محقق و پرسشگران آموزش‌دیده از شهروندان تکمیل شده است. شایان‌ذکر است که دلیل نبودن ابزار استاندارد در این ارتباط، از «ابزار محقق ساخته» استفاده شد. سپس بر اساس مؤلفه‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه‌ها، پرسشنامه‌ای بر اساس مقیاس لیکرت شامل ۲۰ گویه ۵ گزینه‌ای طراحی و بومی‌سازی شد.

ساختار پرسشنامه با طیف لیکرت، شامل سؤالاتی با ساختار بسته در رابطه با سؤالات اصلی پژوهش؛ یعنی چگونه می‌توان با استفاده از هنرهای عمومی کیفیت محیط شهری را افزایش داد

و کدامیک از مؤلفه‌های هنر عمومی تأثیر بیشتری در کیفیت محیط شهری در محدوده اطراف کاخ گلستان دارند، طراحی شده بود.

برای اطمینان از روایی و پایایی ابزار ساخته شده پیش از اجرای مرحله اصلی گردآوری، ۳۰ پرسشنامه در چند نوبت به‌صورت آزمایشی برای اعتبار سنجی ابزار، روش آزمایی و باز آزمایی شد. اعتبار آزمون در مرحله پیش‌آزمون نمره آلفای کرونباخ زیر ۰/۷۰ به دست آمد که مورد تأیید قرار نگرفت. با اعمال تغییراتی در گویه‌ها، مجدداً ۱۸۰ پرسشنامه باز آزمایی شد و در نهایت اعتبار ابزار مورد تأیید قرار گرفت و نمره‌ی ۰/۷۸. به دست آمد که نشان‌دهنده اعتبار آزمون بود. طراحی پرسشنامه به‌گونه‌ای بود که با هر سؤال هم وضعیت موجود سنجیده می‌شد و هم «وضعیت مطلوب». برای دستیابی به اعتبار بالای آزمون مجدداً هر دو وضعیت به‌طور جداگانه اعتبار سنجی شد و در هر دو حال نمره اعتبار آزمون بالاتر از ۰/۷ شد که بر اساس آلفای کرونباخ نمره‌ی قابل قبولی است. در نهایت داده‌های آمارهای گردآوری‌شده وضعیت موجود و وضعیت مطلوب مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. سپس با استفاده از نرم‌افزار SPSS و روش رگرسیون خطی به بررسی میزان سهم هر یک از عوامل هنرهای تجسمی بر کیفیت محیطی پرداخته شد.



شکل ۳. فرایند روش تحقیق

۴. محدوده مورد مطالعه

کاخ گلستان در منطقه ۱۲ تهران، خیابان پانزده خرداد، میدان ارگ و ورودی کاخ گلستان در خیابان داور قرار دارد.



شکل ۴. موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعاتی

۵. بحث و ارائه یافته‌ها

۵.۱. یافته‌های کیفی

هنرهای تجسمی در فضاهای شهری موجب افزایش آگاهی عمومی در مورد موضوعات مختلفی همچون بی‌خانمانی، ایدز، خشونت خانگی می‌شوند. درواقع شناخت شهروندان از مشکلات شهری بیشتر خواهد شد. (کد مفهومی: افزایش آگاهی عمومی) تعامل مستقیم‌تری را با خود فضا و مردم نشان می‌دهد. لذا، فضاهای شهری باید محیطی را ایجاد کنند که افرادی که نیاز به تعامل اجتماعی دارند، فضائی برای خود بیابند. درواقع مردم می‌خواهند در مکان‌های عمومی با دوستان، آشنایان و غریبه‌ها معاشرت کنند. یکی از راه‌های ایجاد تعامل اجتماعی

به‌کارگیری هنر عمومی است. به‌این‌ترتیب که این ویژگی خاص در مکان سبب پیدایش اثر «مثلث‌بندی» و درنتیجه ایجاد پیوند میان مردم و تحریک غریبه‌ها به معاشرت می‌گردد. (کد مفهومی: تعامل فعال با محیط)

یافتن و کشف کردن، انگیزه قوی است که سبب می‌گردد تا انسان‌ها به یک فضای جدید وارد شوند و جهت یافتن دیگر فضاها و وقایع در شهر حرکت کنند. لذا مکان خود باید نوعی از تحریک را ارائه دهد که ماندن مردم در مکان را تضمین کند. فضاهای پیچیده و قابل کشف می‌توانند شامل موارد زیر باشد: فضای پیچیده فیزیکی، وقوع وقایع مختلف در فضا که قابل کشف شدن و غیرمترقبه باشد (به‌کارگیری هنرهای

عمومی)، وجود مناظر مختلف داخل فضا (به کارگیری هنرهای عمومی)، توالی پرسپکتیو که در ایجاد فضائی متنوع و مطلوب بسیار مفید است. (کد مفهومی: کشف محیط)

خاطراتی که در ذهن شهروند ثبت شده، اولین مشوقها و انگیزهها برای تکرار حضور در خیابان و مشارکت در زندگی جمعی است که منجر به برانگیخته شدن احساسات مثبت شهروندان و ایجاد محیطی مأنوس از طریق ایجاد امکان دخل و تصرف در فضا است (کد مفهومی: خاطره انگیزی)

هنر تلاشی است جهت آفرینش صور لذت بخش تا حس زیباشناختی مخاطب را ارضا نماید و احساس زیبایی ارضا نمی شود، مگر آن که مخاطب دریافت های حسی خود با نوعی هماهنگی و وحدت در روابط صوری مواجه شود. (کد مفهومی: لذت بردن از محیط)

مکانها این قابلیت را دارند که تصاویر جدیدی از خود را به معرض نمایش بگذارند. این امر از طریق فعالیت های رایج در آن مکان و در قالب معماری های نو و «هنر عمومی» به منصه

ظهور می رسد. از سوی دیگر برداشت اول از یک شهر مهم است، چراکه این برداشت، دیدگاه ساکنان، بازدیدکنندگان و سرمایه گذاران را به طور یکسان تحت تأثیر قرار می دهد. مقصدهای پر جنب و جوش که القاگر حس رسیدن هستند، کاراکتر، هویت و ظرفیت شهر را معرفی و نمایان می کنند. (کد مفهومی: حس مکان)

۱.۵. یافته های کمی

در قسمت آمارهای توصیفی تعداد شرکت کنندگان مرد ۶۲٪ و زنان ۳۸٪ است. بهره گیری از رگرسیون چند متغیره صحیح است. نتایج وارد نرم افزار SPSS می شوند. برای تحلیل از روابط پیش بین (رگرسیون) و روابط همبستگی استفاده می شود. برای بررسی نوع پارامتریک و ناپارامتریک بودن داده ها از Two-Sample Kolmogorov-Smirnov Test بهره گرفته می شود.

جدول ۳. آزمون کولموگروف اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن هنرهای تصویری

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	Z کولموگروف اسمیرنوف	p
کیفیت محیطی	۲۷/۷۷	۳/۲۳	۰/۷۲۵	۰/۵۶۳

همان گونه که در جدول بالا مشاهده می گردد آزمون کولموگروف اسمیرنوف برای نمره کیفیت محیطی معنادار نیست ($p=0/563$) و بنابراین دارای توزیع نرمالی است و می توان از تحلیل های پارامتریک برای آن استفاده کرد.

جدول ۴. نتایج ضریب همبستگی

متغیر وابسته	متغیرهای مستقل	ضریب همبستگی	سطح معناداری
نقش هنرهای تجسمی در کیفیت محیط	آگاهی عمومی در فضا	۰/۷۵۲	۰/۰۰۰
	غنای بصری	۰/۹۲۰	۰/۰۰۰
	تعامل فعال با محیط	۰/۸۰۳	۰/۰۰۰
	افزایش استدلال دیداری فضا مکانی	۰/۷۴۶	۰/۰۰۰
	توانایی افزایش ایده ها	۰/۶۸۱	۰/۰۰۰
	افزایش فرصت ها برای درک لذت و تسکین استرس ها	۰/۸۱۶	۰/۰۰۰
	لذت بردن از محیط	۰/۸۲۳	۰/۰۰۰
	حس مکان	۰/۵۴۶	۰/۰۰۰
	غنای حسی	۰/۳۱۴	۰/۰۰۰
	خاطره انگیزی	۰/۵۴۶	۰/۰۰۰
	کشف محیط	۰/۷۹۵	۰/۰۰۰
	افزایش حس اثربخشی فردی و اعتماد به نفس	۰/۶۴۳	۰/۰۰۰
	بهبود تصویر و وضعیت جامعه	۰/۸۹۵	۰/۰۰۰

متغیر وابسته	متغیرهای مستقل	ضریب همبستگی	سطح معناداری
	ارتقا تنوع فرهنگ‌های مجاور	۰/۸۱۸	۰/۰۰۰
	تعامل و ارتباط بین مردم	۰/۲۶۲	۰/۰۰۰
	کاهش بزهکاری جوانان در معرض خطر	۰/۳۳۱	۰/۰۰۰
	ترویج کارهای داوطلبان	۰/۷۴۵	۰/۰۰۰
	بهبود احساس فردی تعلق	۰/۲۵۴	۰/۰۰۰
	حس وابستگی به یک جامعه	۰/۴۵۵	۰/۰۰۰
	افزایش استدلال دیداری فضا مکانی	۰/۷۸۱	۰/۰۰۰

در این مرحله با استفاده از همبستگی پیرسون متغیرها موردسنجش قرار می‌گیرند که مشخص شد در محدوده کاخ گلستان بیشترین نوع همبستگی بین متغیر غنای بصری با مقدار ۰/۹۲۰ و سپس بهبود تصویر و وضعیت جامعه با ۰/۸۹۵ است و به‌طور کلی غنای بصری بیشترین همبستگی را با دیگر متغیرها

دارد و کمترین مربوط به متغیر بهبود احساس فردی تعلق با دیگر متغیرهاست.

بنا به نتایج رگرسیون چندمتغیره در جدول ۵، مؤلفه غنای بصری با مقدار (۱/۰۰۰) بیشترین میزان سهم عاملی، در مرتبه دوم، مؤلفه لذت بردن از محیط با مقدار (۰/۹۲۰) و کمترین مربوط به مؤلفه بهبود احساس فردی تعلق با مقدار (۰/۲۴۴) است.

جدول ۵. خلاصه مدل رگرسیون، تحلیل واریانس و شاخص‌های آماری رگرسیون

درجه آزادی	معناداری	T	β	B	F	ضریب تعیین	مقیاس	نقش هرهای تجسمی بر کیفیت محیط
۳۸۳	۰/۰۰۰	۴/۵۷۱ ۴	۱/۰۰۰	۰/۷۶۲	۳۱/۲۱۷ ۴	۰/۷۱۰	آگاهی عمومی در فضا	
۳۸۳	۰/۰۰۰	۳/۳۶۵ ۱	۱/۰۰۰	۰/۳۷۲	۵۲/۱۴۷ ۳	۱/۰۰۰	غنای بصری	
۳۸۳	۰/۰۰۰	۳/۲۵۵ ۱	۱/۰۰۰	۰/۸۷۲	۸۵/۳۸۱ ۲	۰/۷۱۴	تعامل فعال با محیط	
۳۸۳	۰/۰۰۰	۵/۴۷۹ ۸	۱/۰۰۰	۰/۶۸۵	۲۹/۹۲۱ ۸	۰/۴۸۳	افزایش استدلال دیداری فضا مکانی	
۳۸۳	۰/۰۰۰	۲/۹۸۲ ۱	۱/۰۰۰	۰/۵۹۷	۲۴/۲۵۷ ۷	۰/۶۱۹	توانایی افزایش ایده‌ها	
۳۸۳	۰/۰۰۰	۱/۱۳۴ ۱	۱/۰۰۰	۰/۴۳۶	۶۴/۳۲۱ ۴	۰/۸۳۶	افزایش فرصت‌ها برای درک لذت و تسکین استرس‌ها	
۳۸۳	۰/۰۰۰	۲/۴۲۵ ۴	۱/۰۰۰	۰/۸۵۲	۸۴/۵۲۳ ۵	۰/۹۲۰	لذت بردن از محیط	
۳۸۳	۰/۰۰۰	۲/۱۳۲ ۳	۱/۰۰۰	۰/۶۶۵	۷۵/۲۵۴ ۴	۰/۶۵۴	حس مکان	
۳۸۳	۰/۰۰۰	۴/۱۲۱ ۸	۱/۰۰۰	۰/۲۱۳	۱۲/۵۴۱ ۴	۰/۶۲۵	غنای حسی	
۳۸۳	۰/۰۰۰	۴/۹۶۳ ۷	۱/۰۰۰	۰/۴۲۵	۲۳/۲۴۱ ۲	۰/۵۴۶	خاطره‌انگیزی	

مقیاس	ضریب تعیین	F	B	β	T	معناداری	درجه آزادی
کشف محیط	۰/۸۸۱	۲۰/۳۲۱ ۱	۰/۴۱۴	۱/۰۰۰	۴/۵۶۴ ۳	۰/۰۰۰	۳۸۳
افزایش حس اثربخشی فردی و اعتماد به نفس	۰/۲۶۵	۴۴/۱۲۴ ۳	۰/۴۲۱	۱/۰۰۰	۴/۴۴۸ ۹	۰/۰۰۰	۳۸۳
بهبود تصویر و وضعیت جامعه	۰/۷۴۵	۵۲/۱۳۴ ۲	۰/۴۲۱	۱/۰۰۰	۱/۲۱۴ ۵	۰/۰۰۰	۳۸۳
ارتقا تنوع فرهنگ‌های مجاور	۰/۵۴۰	۲۲/۲۶۵ ۹	۰/۶۱۵	۱/۰۰۰	۲/۲۱۶ ۲	۰/۰۰۰	۳۸۳
تعامل و ارتباط بین مردم	۰/۳۶۸	۳۲/۴۱۲ ۳	۰/۴۲۴	۱/۰۰۰	۲/۵۵۲ ۲	۰/۰۰۰	۳۸۳
کاهش بزهکاری جوانان در معرض خطر	۰/۶۷۵	۴۴/۲۱۱ ۱	۰/۴۲۳	۱/۰۰۰	۱/۳۵۴ ۸	۰/۰۰۰	۳۸۳
ترویج کارهای داوطلبان	۰/۸۸۲	۳۲/۵۴۱ ۱	۰/۴۵۴	۱/۰۰۰	۳/۳۴۱ ۲	۰/۰۰۰	۳۸۳
بهبود احساس فردی تعلق	۰/۲۴۴	۶۲/۹۹۱ ۱	۰/۳۴۱	۱/۰۰۰	۲/۳۲۴ ۳	۰/۰۰۰	۳۸۳
حس وابستگی به یک جامعه	۰/۴۵۲	۵۸/۹۲۰ ۱	۰/۵۷۸	۱/۰۰۰	۲/۸۳۹ ۸	۰/۰۰۰	۳۸۳
افزایش استدلال دیداری فضا مکانی	۰/۶۵۴	۲۱/۶۵۴ ۸	۰/۵۱۴	۱/۰۰۰	۴/۵۸۱ ۸	۰/۰۰۰	۳۸۳

۶. نتیجه‌گیری

در کلان‌شهری همانند تهران، الزامات فرهنگی و اجتماعی سبب شده تا حیات هم‌زمان فرهنگ‌های متعدد به وجود آید که در این شرایط نقش هنر به عنوان ابزاری برای پیوندهای اجتماعی پررنگ می‌گردد. آنچه امروزه فضاهای شهری را تهدید می‌نماید، ارتباط ضعیف مؤلفه‌های سازنده یک مکان است که نمی‌توانند نیازهای شهروندان را به خوبی برطرف نمایند. از این رو شناسایی کیفیت‌های مؤثر بر ارتقای کیفی فضاهای شهری امری مهم تلقی می‌گردد.

امروزه بدون رخداد بودن فضاها، عدم وجود حس مکان و عدم تعامل سازنده انسان با فضاهای شهری موجب شده تا افراد به جای حضور پررنگ در این فضاها به فعالیت در فضای مجازی روی بیاورند. این امر لزوم ایجاد فضاهایی سرزنده و همه‌شمول که بتوان در آن به خلق رویدادها و تجربه حسی مکان پرداخت را یادآوری می‌نماید. از سوی دیگر، هنر عمومی به مثابه یک عامل اثرگذار، می‌تواند بستر فیزیکی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شهر را ارتقا بخشد. هنر تجسمی علاوه بر اینکه در هریک از

مؤلفه‌های مفهومی فضای شهری مؤثر است؛ در افزایش میزان حضورپذیری شهروندان در مکان‌های شهری نیز تأثیر دارد. اهمیت تعامل افراد در محیطی سرزنده و در سایه تمامی کیفیت‌های طراحی شهری از جمله مواردی است که نیاز به آن‌ها در فضاهای شهری بیش‌ازپیش احساس می‌شود. از این رو، این پژوهش سعی داشت ارزش استفاده از هنر و به‌طور خاص هنر تجسمی با زمینه تاریخی و ماندگاری آن میان مردم نسبت به افزایش کیفیت موردنظر و حضورپذیری افراد را روشن سازد. بررسی نتایج نشان می‌دهد که مهم‌ترین و بیشترین تأثیر هنر گرافیک شهری در حضورپذیری مکان‌های شهری از نظر شهروندان و استفاده‌کنندگان از فضا مربوط به غنای بصری است. جهت القای غنای بصری در وضع آتی محدوده مورد مطالعه، توجه به ماهیت و عملکرد فضا اهمیت فراوانی دارد. برای این امر دو ویژگی مکث و حرکتی بودن در نظر باید گرفت. در فضاهای مکث، جهت ایجاد تمرکز بصری و القای حس سکون و آرامش بصری، آثار هنری عموماً در مرکز فضا جانمایی می‌شوند و طراحی مبلمان و عناصر هنری مستقر در فضا نیز در جهت تقویت

Debate. Monograph, Americans for the Arts. United States, October 2006.

[6] Falahin Jasmi, M., Nik Mohamad, N. H. (2015). Role of Public Art in Malaysian Urban Landscape towards Improving Quality of Life: Between aesthetic and functional value, Elsevire, AicOoL2015Jakarta, Indonesia. *AMERn International Conference on Quality of Life The Akmani.* (In Persian).

[7] Goodsell, C. T. (2003). The Concept of Public Space and Its Democratic Manifestations. *The American Review of Public Administration*, 33(4), 361–383

[8] Hadi Payan, M., Azizian, S. (2023). Investigating the effect of organizing "visual axes" on improving the "environmental quality" of urban public spaces (case example: Qiyam Street, Yazd), the 6th International Conference on Civil Engineering, Architecture and Environment – Stockholm. (In Persian).

[9] Hafez Nia, M. R. (2009). *An introduction to research methods in humanities.* Organization for Studying and Compiling Humanities Books of Universities (Samt), Humanities Research and Development Center, Tehran: 17th edition. (In Persian).

[10] Jamilian, Sh. (2012). *Anthropological analysis of motifs in the Golestan palace complex.* Master's thesis, Islamic Azad University of Tehran, Center. (In Persian).

[11] Jensen, Ch. (2004). *Analysis of works of visual arts.* Translated by Bati Avakian, Tehran: Organization for Studying and Compiling Humanities Books of Universities.

[12] Kafshchian Moghadam, A., Amouiyani, F. (2017). The interaction of urban visual arts with the audience: a case study: annual urban arts of Baharistan, Tehran, 2015, Pikereh, 13, 51-72. (In Persian).

[13] Kashi, M. J. Gh. (2006), Democracy and Urban Space, *Ayin journal*, 5, 8-11. (In Persian).

[14] Knight, Ch. K. (2008). *Public Art: Theory, Practice and Populism.* Massachusetts & Oxford: Wiley-Blackwell.

[15] Kuznetsov, S., Paulos, E., & Gross, M.D. (2010). *Wall Bots: interactive wall crawling robots in the hands of public artists and political activists.* In: Proceedings of DIS10 Designing Interactive Systems 2010. Part of the DIS - Designing Interactive Systems conference series.

عنصر شاخص مرکزی و ایجاد جاذبه و آرامش، برای افزایش مدت‌زمان حضور افراد در فضا است. در نتیجه در محدوده مورد مطالعه، در فضاهای مکث محدوده اطراف کاخ گلستان، جهت تأکید بیشتر بر مرکزیت فضا از مجسمه‌هایی که نشانگر هویت ایرانی هستند و یا از تندیس‌های نقش برجسته نظیر کتیبه‌هایی از نمادهای هویتی فضا و قابل نصب بر روی نمای ساختمان‌ها، در نقاط ورودی یا نبش‌ها می‌باشند، می‌توان استفاده نمود.

اما در محورهای حرکتی، مکان‌یابی آثار هنری در جهت ایجاد حس تداوم و حرکت، اغلب به صورت خطی و ریتمیک است. در محورهای حرکتی استفاده از آثار هنری در راستای ایجاد ریتم‌های متنوع و هماهنگ در بدنه‌ها، القای حس حرکت در کف‌سازی و افزایش تنوع مسیر با چیدمان متناوب عناصر هنری گوناگون در فضا انجام می‌شود. در محورهای حرکتی محدوده مورد مطالعه، استفاده از مجسمه‌های تعاملی، جهت تسهیل ارتباط با مردم پیشنهاد می‌شود. از سوی دیگر دیوارهای جانبی ساختمان‌هایی که به واسطه تغییرات ارتفاعی از داخل کاخ گلستان قابل‌رویت هستند، پتانسیل مناسبی جهت دیوارنگاری‌های با مضامین تاریخی و فرهنگی می‌باشند. در نهایت می‌توان اذعان داشت استفاده از هنرهای تجسمی موجب افزایش جذابیت فضاهای همگانی شده و منظر شهری را در ذهن استفاده‌کنندگان از فضا، بیش‌ازپیش منحصربه‌فرد می‌نماید.

منابع:

[1] Afzali, K. (2012). *Explanation of Iranian-Islamic models in teaching the basics of visual arts.* Master's Thesis of Islamic Art, Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University.

[2] Ayati, H. (2001). *Art history.* Tehran, Al-Mahdi International Publications. (In Persian).

[3] Cartiere, C. & Zebracki, M. (2016). *The Everyday Practice of Public Art: Art, Space, & Social Inclusion.* London & New York: Routledge.

[4] *Collins English Dictionary, Complete and Unabridged* (2003). Harper Collins Publishers.

[5] Doss, E. (2006). *Public Art Controversy: Cultural Expression and Civic*

- [28] Naghi Zadeh, M. (2006). *Perceiving the beauty and identity of the city*. Isfahan: Publications of Isfahan Municipal Culture and Entertainment Organization. (In Persian).
- [29] Ozsoy, A., Bayram, B. (2007). The role of public art for improving the quality of public places in the residential environment. *Paper presented at ENHR International Conference: Sustainable Urban Areas, Rotterdam, The Netherlands*.
- [30] Pollock, V.L., Sharp, J. (2012). *Real Participation or the tyranny of participatory Practice? Public art and community involvement in the regeneration of the Raploch, Scotland*.
- [31] Pour Ahmad, A., Habibi, K., Keshavarz, M. (2010). *The evolution of the concept of urban regeneration as a new approach in urban worn-out textures*, Iranian Cities Quarterly. (In Persian).
- [32] Purcell M. (2016). For democracy: planning and publics without the state. *Planning Theory*, Vol. 15, No. 4, 386-401.
- [33] Radisic, S. (2010). Public Art Policies – A Comparative. *6th International Conference on Cultural Policy Research, Jyväskylä, Finland*.
- [34] Rafiyan, M., Khodayi, Z. (2009). Investigating indicators and criteria affecting citizens' satisfaction with urban public spaces, *Strategy*, 18(53), 227-248. (In Persian).
- [35] Rahimi Bafarani, H. (2015). The expressive value of painting art in environmental design, supervisor: Morteza Afshari, Ministry of Science, Research and Technology, Shahid University, master's thesis in the field of painting. (In Persian).
- [36] Remesar, A. (2005). *Urban Regeneration a Challenge for Public Art*. University of Barcelona: Department of Psychology-social.
- [37] Rostami, M., Sarvi Zargar, R., Eini H. (2017) Explaining and evaluating the components of public art (Case study: Lampini Park and Il Goli, *Bagh Nazar*, 14(49), 53-64. (In Persian).
- [38] Runco, Mark A., & Albert, Robert S. (2010). *Creativity Research*. In James C. Kaufman and Robert J. Sternberg. *The Cambridge Handbook of Creativity*. Cambridge University Press.
- [39] Samaniyan, S. (2012). Investigation of the pictorial themes of the relief tiles in the main hall of Golestan Palace. *Journal of Fine Arts*, 19(1), 59-72. (In Persian).
- [16] Landi, P. J. (2012). *Public Art - Purpose and Benefits: Exploring strategy in the New England*.
- [17] Lotfi, S. (2009). The concept of quality of urban life: its definitions, dimensions and measurement in urban planning, *scientific-research quarterly of human geography*, 1(4), 65-80. (In Persian).
- [18] Mahasen Niari, M., Melabi, Q., Fanadi, N. (2012). Improving the quality of historical urban spaces with an emphasis on visual dimensions (a case study of Ali Qapu Square, Ardabil) *First National Conference on Architecture, Restoration, Urban Development and Sustainable Environment*, 1-17. (In Persian).
- [19] Matlock, J. (2000). *Familiarity with environment and landscape design*, translated by the Deputy of Education and Culture of Tehran Parks and Green Spaces Organization. First Edition.
- [20] McAndrew, F. T. (2012). *Environmental psychology*. Translated by Gholamreza Mahmoudi, second edition, published by Vania.
- [21] Mitchell, D. (2003). *The Right to the City: Social Justice and the Fight for Public Space*. New York: The Guilford Press.
- [22] Mitchell, Don. (2010). The End of Public Space? People's Park, Definitions of the Public, and Democracy, *Annals of the Association of American Geographers*, Volume 85
- [23] Moradi, S. (2007). General art and its combination with urban space, *Bagh-e Nazar*, 8, 90-81. (In Persian).
- [24] Mortazavi, S. (2001). *Environmental psychology and its application*. Tehran: Shahid Beheshti University Press. (In Persian).
- [25] Motalebi, Q. (2010). Environmental psychology is a new knowledge in the service of architecture and urban design. *Journal of Fine Arts*, No. 1-16. (In Persian).
- [26] Muller, D.A. (2019). article entitled Voices in the City, the Role of Arts, Artists and Urban Space for a Fair City, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 222(23), 22-58
- [27] Muzaffar, F., Hosseini, M., Khodadadi, R. (2015). Measuring the impact of "public arts" in beautifying and improving the visual quality of the urban landscape; A case study of murals in Tehran, *Visual and Applied Arts Journal*, 9(18), 61-79. (In Persian).

- [40] Sanoff, H. (2010). *Democratic design: participation case studies in urban and small town environments*, Saarbrucken, Germany: Verlag-Muller.
- [41] Senie H. F., Webster, S. (1998). *Critical issues in Public Art: Content, Context, and Controversy*. Washington: Smithsonian Books.
- [42] Setiawan, N. (2010). *Extending the concept of value chain governance: An institutional perspective; comparative case studies from dairy value chains in Indonesia*. Master Thesis university of Berlin.
- [43] Shahabian, P., Haghighi, R. (2004). Analysis of the role of public arts in the success of the urban space of Naghsh Jahan Square in Isfahan. *City Identity*, 8 (19), 89-100.
- [44] Shannon, L. E. (2013). *Monuments to the New Woman: Public Art & Female Image Building in America, 1876-1940* (PhD thesis). University of Iowa. Retrieved from <http://ir.uiowa.edu/etd/1749>
- [45] Shimomura, T., & Tadashi, M. (2010). Policies to Enhance the Physical Urban Environment for Competitiveness: A New Partnership between Public and Private sectors. *OECD Regional Development Working Papers*, 2010/1, OECD Publishing, OECD.
- [46] Spayde, J. (2012). Public Art and Placemaking. *Public Art Review*. Fall/Winter 2012
- [47] Trifonova, T. (2007). *The Image in French Philosophy*. Rodopy, NY.
- [48] Vahdat, S., Sajjadzadeh, H. (2015). Investigating and evaluating the role of urban art in increasing the attendance rate of public spaces with an emphasis on urban graphics (case example: Hamadan People's Park), *Art Research*, 6(11), 25-38.
- [49] Webster's College Dictionary, (2010). Random House Kernerman K Dictionaries Ltd.
- [50] Zajaji, N., Talebpour, F., Rafiyan, M. (2018). The new style of public art as a tool for the development of collective creativity, *Theoretical Foundations of Visual Arts*, 4(2), 65-74.